



شاهنامه بخوانیم



همی گفت کای کشته بر دست من
دلیر و ستوده به هر انجمن
همی ریخت خون و همی کند موی
سرش پرز خاک و پراز آب روی
بدو گفت سهراب کین بدتر است
به آب دو دیده نباید گریست
ازین خویشتن کشتن اکنون چه سود
چنین رفت و این بودنی کار بود

داستان سیاوش

داستان سیاوش در شاهنامه از دوران کودکی و جوانی گرفته تا مرگ، غم انگیز بوده و برای بسیاری از افراد آشناست. این داستان به حدی اثر گذار و جذاب است که هنوز هم در برخی نقاط مراسمی با عنوان سوگ سیاوش یا سووشون برگزار می شود.

سیاوش پسر کیکاووس است؛ اما بزرگ شده دست رستم است که سعی می کند در دوران کودکی و نوجوانی به او پهلوانی و شجاعت و دلیری بیاموزد. در داستان های شاهنامه، سیاوش چهره بسیار زیبایی دارد و در عین حال ذات بسیار پاکی نیز دارد.

بنابراین همسر کیکاووس دلپسته سیاوش می شود و در پی آن است که او را به سمت خود جذب کند. حیل‌های مختلفی اجرا می کند تا به هدف خود برسد؛ اما هیچ کدام کارساز نبوده است. سیاوش مرگ غم انگیزی دارد و در عین جوانی و ناکامی از دنیا می رود. به همین دلیل در شاهنامه فردوسی به مرگ غم انگیز سیاوش بسیار توجه شده است.

داستان کاوه آهنگر

این داستان که نمادی از مبارزه و شجاعت در برابر ظلم و زور گویی است، یکی دیگر از داستان های معروف شاهنامه است که تقریباً به گوش همه افراد خورده است. کاوه به عنوان یک شخصیت شجاع و دلیر در میان همه مردم شناخته شده است. اگر چه بسیاری از مردم ممکن است با اصل داستان آشنایی نداشته باشند، اما به خوبی شخصیت کاوه در شاهنامه فردوسی را می شناسند.

داستان کاوه آهنگر مرتبط با ضحاک مار دوش است. شخصیت منفور این داستان نیز برای بسیاری از مردم آشناست. ضحاک در داستان های شاهنامه، پادشاهی جمشید را به پایان می رساند.

در این داستان ضحاک شخصیتی منفور و زورگو است که موجودی شیطانی روزی با او ملاقات می کند و بر روی شانه های او بوسه می زند و به جای محل بوسه دو مار بر روی شانه های او رشد می کند که این دو مار بسیار خونخوار بوده و غذای اصلی آنها مغز افراد جوان است.

به همین دلیل ضحاک به آشپز خود دستور می داد که سر دو جوان را بریده و مغز آن ها را به مارها بدهد. کاوه شخصیتی است که در داستان های شاهنامه دو پسر داشته است. پسرها ناپدید می شوند و توسط مارهای ضحاک مغز سر آنها خورده می شود. در این هنگام کاوه به انتقام علیه ضحاک برمی خیزد و در نهایت او را شکست می دهد.

اگر شما یکی از افرادی هستید که هنوز داستان های شاهنامه را نخوانده اید، به شما پیشنهاد می کنیم مطالعه داستان های جذاب و پر از درس و عبرت آن را آغاز کنید.

قهرمانی دیگر به نام کیکاووس را که اسیر دیو سپید شده است نجات می دهد.

هفت خوان رستم، هفت مرحله مختلف را نشان می دهد: خوان اول: نبرد رخس با شیر - خوان دوم: گذر از بیابان خشک - خوان سوم: کشتن اژدها - خوان چهارم: کشتن جادوگر - خوان پنجم: جنگ با اولاد مرزبان - خوان ششم: جنگ با ارژنگ دیو - خوان هفتم: جنگ با دیو سپید

نبرد رستم و سهراب

رستم با تهمینه دختر شاه سمنگان ازدواج کرد پس از مدتی خواست که به ایران بازگردد پس مهره ای به تهمینه داد و گفت: «اگر فرزندی به دنیا آوری که دختر بود این مهره را به موهای او ببندولی اگر فرزندمان پسر شد آن را به بازویش ببند تا بتوانم او را بشناسم.»

رستم رفت و تهمینه پس از مدتی پسری به دنیا آورد و نامش را سهراب گذاشت.

سال ها گذشت و سهراب بزرگ شد و خواست که دنبال پدرش، رستم برود. مادرش مهره ی پدر را به بازوی او بست و گفت: «با این نشانه پدرت تو را خواهد شناخت. سهراب با لشکری بزرگ به طرف ایران حرکت کرد. شاه ایران که در آن زمان کیکاووس بود برای مقابله با دشمن رستم را برای جنگ به سوی سهراب فرستاد.

رستم و سهراب در میدان جنگ همدیگر را شناختند و به جنگ پرداختند. پس از مبارزه ای طولانی رستم سهراب را شکست داد و او را کشت. سهراب قبل از مرگ به رستم گفت: «من پسر رستم هستم و اگر او بداند که من کشته شده ام تو را زنده نخواهد گذاشت.»

رستم گفت: «از کجا بدانم که تو پسر رستم هستی؟» سهراب گفت آستینم را بالا بزن و بازو بندم را ببین. رستم او را شناخت اما پشیمانی سودی نداشت و رستم پسر خود را کشته بود!

چو بگشاد خفتان و آن مهره دید
همه جامه بر خویشتن بردرید

شاهنامه، اثر حکیم ابوالقاسم فردوسی، یکی از بزرگ ترین آثار ادبی فارسی است که در طول قرن ها، به عنوان منبعی مهم و ارزشمند برای شناخت تاریخ، ادبیات، فرهنگ و هنر ایرانی شناخته شده است. این کتاب شامل حکایت هایی از شاهان و پادشاهان ایرانی، فرهنگ، آیین ها و جنگ های آنان است و به دلیل داشتن اشعار جذاب و همچنین آموزنده، در سراسر جهان نیز شناخته شده است. شما با خواندن داستان های شاهنامه، این فرصت را می یابید تا با تاریخ و فرهنگ ایران آشنا شوید و مفاهیمی همچون شجاعت، عدالت، دوستی و همبستگی را بهتر درک کنید. در این یادداشت به معرفی شماری از داستان های شاهنامه می پردازیم تا با داستان های تاریخی و اسطوره ای این اثر آشنا شوید.

داستان های شاهنامه برای مردم ایران بسیار محبوب هستند. این داستان ها علاوه بر اینکه به صورت شعر در شاهنامه هستند، دهان به دهان و نسل به نسل منتقل شده اند به گونه ای که کمتر کسی پیدا می شود که حداقل امروزه داستان رستم و سهراب یا زال را نشنیده باشد.

امروز می خواهیم کمی درباره برخی داستان های شاهنامه حرف بزنیم.

داستان هفت خوان رستم

اگر می خواهید برای اولین بار داستان های شاهنامه را بخوانید، به شما پیشنهاد می کنیم حتماً داستان هفت خوان رستم را مطالعه کنید. این داستان می تواند برای همه جذاب باشد. داستان هفت خوان رستم علاوه بر پند آموز بودن، پر از هیجان است و به گونه ای شما را مجذوب می کند که تا انتها داستان را بخوانید.

در این داستان رستم، پهلوان ایرانی وارد مسیری پر از اتفاق و خطر می شود. در این راه پهلوان ایرانی با همان رستم قصه باید در آزمون های مختلفی شرکت کند و جنگاوری های بسیاری انجام دهد. رستم قهرمان در نهایت با موفقیت از هر یک از این حوادث عبور می کند و